

المطری (م. ۷۴۱ق.)، بیروت، المكتبة العلمیه، ۱۴۰۲ق؛ الدرّة الثمینة: محمد محمود النجاری (م. ۶۴۳ق.)، به کوشش صلاح الدین، مرکز بحوث و دراسات المدینة، ۱۴۲۶ق؛ السیرة النبویة: ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مكتبة محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ کتاب فی احوال الحرّین الشریفین: ناشناس، مکه، مكتبة نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۸ق؛ مجمع البحرین: الطریحی (م. ۸۵۰ق.)، به کوشش الحسینی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق؛ المعالم الاثریة: محمد محمد حسن شراب، ترجمه: شیخی، تهران، مشعر، ۱۳۸۳ش؛ المغانم المطابه: محمد الفیروزآبادی (م. ۸۱۷ق.)، مرکز بحوث و دراسات المدینة، ۱۴۲۳ق؛ موسوعة مكة المكرمة و المدينة المنورة: احمد زکی یمانی، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۹ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش السامرائی، مؤسسة الفرقان، ۱۴۲۲ق.

سید محمود سامانی



استهلال: دیدن یا آشکار شدن ماه نو، دارای نقش مهم در ادای مناسک

واژه استهلال، مصدر باب استفعال از ریشه «ه - ل - ل» در اسنادهای گوناگون به معانی مختلف به کار رفته است. از جمله به معنای دیدن^۱ و آشکار شدن^۲ ماه نو (هلال) و

۱. النهایة، ج ۵، ص ۲۷۱، «هلال».

۲. الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۵۲؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۷۰۳؛ تاج

العروس، ج ۱۵، ص ۸۱۳، «هلال».

گاه به معنای طلب رؤیت هلال به کار رفته است^۳، چنان که در منابع فقهی به معنای «رؤیت هلال»^۴ و «طلب رؤیت آن»^۵ آمده است. به باور برخی لغت پژوهان، معنای اصلی این واژه، بلند کردن صدا است.^۶ از این رو، بلند کردن صدا به تلبیه^۷ (لـ تلبیه) و نیز فریاد نوزاد هنگام ولادت^۸ را هم استهلال می گویند. بر این اساس، اطلاق استهلال بر رؤیت هلال بدان سبب است که مردم هنگام دیدن هلال، به تکبیر و دعا بانگ برمی آورند.^۹ بر پایه فقه اسلامی، در احکام موضوعاتی چون بلوغ، روزه ماه رمضان، عید فطر و عید قربان، مناسک حج و عده زنان، ماه های قمری ملاک است و به تصریح فقیهان^{۱۰} آغاز و انجام ماه قمری با رؤیت هلال مشخص می شود. از این رو، استهلال به معنای رؤیت هلال، همواره به منزله راه اصلی ثبوت اول ماه در کنار راه هایی چون بینه (شهادت بر رؤیت هلال) و حکم حاکم مطرح بوده است. منابع فقهی بیشتر در باب روزه که به تصریح آیه ۱۸۵ بقره ۲/ هنگام

۳. مفردات، ص ۵۴۴، «هلال».

۴. نهایة المطلب، ج ۱۱، ص ۲۰۸؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۲۲۷.

۵. اللوامع صاحبقرانی، ج ۶، ص ۳۲۱؛ كشف الغطاء، ج ۴، ص ۱۷.

۶. الكنز اللغوی، ص ۱۵۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۱.

۷. «هلال».

۸. الانتصار، ص ۲۵۴.

۹. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۲۲۷.

۱۰. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۱.

۱۱. غنیة النزوع، ص ۱۳۱.

آن ماه رمضان است، به این موضوع پرداخته‌اند.^۱ نیز آیه ۱۸۹ بقره/۲ هلال ماه نو را زمان‌نمای مردم در کارهایی مانند حج شمرده است.^۲ ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ﴾. بر پایه روایات نیز وجوب روزه در ماه رمضان و افطار در عید فطر، وابسته به رؤیت هلال است.^۳ «صوموا للرؤية وأفطروا للرؤية.» در دیدگاه فقهی، تعیین هنگام گزاردن مناسک حج و وقوف در عرفات، مشعر و منا، وابسته به ثبوت هلال ذی‌حجه است و به تصریح شماری از فقیهان^۴، بدون اثبات هلال، صحیح به شمار نمی‌رود. بدین روی، استهلال از دیرباز در مناسک حج نقشی مهم داشته است. حتی شماری از فقیهان شیعه^۵ و اهل سنت^۶ به وجوب کفایی استهلال در ماه‌های رمضان، شوال و ذی‌حجه باور دارند و اندکی از فقیهان، استهلال را در آغاز هر ماه قمری مستحب دانسته‌اند.^۷

◀ **پیشینه:** جایگاه ماه‌های قمری در

۱. نک: الخلاف، ج ۲، ص ۱۷۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۷؛ المجموع، ج ۶ ص ۲۶۹.

۲. الکشاف، ج ۱، ص ۲۳۴؛ نک: مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۰۸.

۳. سنن النسائی، ج ۴، ص ۱۳۶؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۶۶؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۲۴۷.

۴. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳؛ جامع الشتات، ج ۱، ص ۲۸۷.

۵. نک: تذکرة الفقهاء، ج ۶ ص ۱۲۰؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۴۹۳؛ رساله استفتائات، ج ۲، ص ۱۳۶.

۶. مجمع الانهر، ج ۱، ص ۲۳۸؛ مرآة المفاتیح، ج ۴، ص ۱۳۷۳.

۷. التحفة السنیة، ص ۱۶۷؛ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۱۷.

مناسک حج به پیش از اسلام بازمی‌گردد. اعراب جاهلی در سال‌هایی که ماه‌های حج بر فصل گرما یا سرما منطبق می‌شد، از آن رو که مسافرت در این فصول، مشکل و داد و ستد بازرگانی را کد بود، مناسک حج را به تأخیر می‌انداختند تا با فصول معتدل و پرمحصول سال هم‌زمان گردد. این کار و نیز انتقال حرمت ماه‌های حرام به ماه‌های دیگر، در قرآن «نسیء» خوانده شده است (آیه ۳۷ توبه/۹). بر این اساس و با توجه به اختلاف شماره روزهای سال قمری با سال شمسی، مناسک حج از ذی‌حجه به ماه بعد و سپس به ماه‌های بعد انتقال می‌یافت و پس از چندین سال دیگر بار بر ذی‌حجه سازگار می‌شد.^۸ با نزول آیه ۳۷ توبه/۹ که نسیء را کفر خوانده، این سیره جاهلی سخت نکوهش شد.^۹ به تصریح برخی مفسران، ذکر حج در آیه ۱۸۹ بقره/۲ که از باب ذکر خاص پس از عام است، بر ردّ این روش نادرست اعراب پیش از اسلام تأکید دارد.^{۱۰} شماری دیگر آیه ۱۹۷ بقره/۲ را که ماه‌های حج را معین و معلوم دانسته: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ﴾ نیز به معنای

۸. احکام القرآن، جصاص، ج ۲، ص ۱۴۴، ۳۰۳؛ التبیان، ج ۵، ص ۲۱۵-۲۱۷؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۵۵-۵۷.

۹. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۱۷؛ الدر المنثور، ج ۳، ص ۲۳۷.

۱۰. احکام القرآن، ابن عربی، ج ۱، ص ۹۹؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۳۴۳.

مردود شمردن نسیء در حج شمرده‌اند.^۱ برخی بر آنند که مقصود از جدال ممنوع در حج در همین آیه، گفت‌وگو درباره تعیین روزهای حج بدون استناد به رؤیت هلال و پشتوانه‌های شرعی است.^۲

بر پایه گزارش برخی منابع تاریخی، مردم در روزگار جاهلیت با پدیدار شدن هلال ذی‌حجه به منطقه ذوالمجاز^۳ در کنار عرفات می‌رفتند که بازاری مشهور داشت و هشت روز در آن‌جا می‌ماندند.^۴ همچنین گزارش شده که هاشم، جد پیامبر ﷺ پس از رؤیت هلال ذی‌حجه، به سوی کعبه می‌آمد و در خطبه‌ای مردم را به پذیرایی مناسب از مهمانان خدا فرامی‌خواند.^۵

اثبات آغاز ماه قمری در کانون توجه گزارشگران حج نیز بوده؛ مانند گزارش‌هایی که فرهاد میرزا^۶، نائب‌الصدر شیرازی^۷ و آقا بزرگ تهرانی^۸ از اختلاف نظر درباره ثبوت هلال در دوران خود داده‌اند. گاه نیز از نبود اختلاف در ثبوت هلال گزارش شده است؛ از

جمله در گزارش امین الدوله^۹ و سید محسن امین.^{۱۰}

اختلاف در ثبوت هلال ذی‌حجه گاه سبب شده که حج گزاران بیش از یک روز وقوف کنند^{۱۱} و گاه نیز به درگیری‌های سخت انجامیده است.^{۱۲} در دیدگاه اهل سنت، هم‌زمانی روز عرفه با جمعه مهم به شمار می‌رفت و حج در چنین سالی را «حج اکبر» می‌نامیدند. از این رو، در سال‌هایی که مثلاً روز عرفه بر اساس تقویم رسمی بر شنبه سازگار بود، حاکمان مکه می‌کوشیدند تا رؤیت هلال به گونه‌ای اعلان شود که روز عرفه با جمعه برابر گردد. حتی گاه دولت مرکزی به رؤسای مکه و امیران حج مبالغی می‌پرداخت تا حج آن سال را حج اکبر اعلان کنند. گزارش شده که دولت عثمانی برای اثبات رؤیت هلال در سالی که حج اکبر رخ می‌داد، جایزه تعیین می‌کرد. گاه قاضی مکه با گواهی یک تن به ثبوت رؤیت هلال ماه ذی‌حجه حکم می‌نمود. اداره کنندگان حج در این سال‌ها به شیعیان اجازه نمی‌دادند تا در روزی جز جمعه در عرفات وقوف کنند.^{۱۳}

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۲۴؛ التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۷؛ اللعة البیضاء، ص ۵۲۸.

۲. نک: التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۷۵-۱۷۶.

۳. عمدة القاری، ج ۶، ص ۳۵؛ خزائن الادب، ج ۴، ص ۴۳۱.

۴. السیرة الحلبیة، ج ۱، ص ۶-۷.

۵. پنجاه سفرنامه، ج ۳، ص ۲۲۶-۲۷۷.

۶. پنجاه سفرنامه، ج ۵، ص ۴۳۸.

۷. میراث حدیث شیعه، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۷.

۸. پنجاه سفرنامه، ج ۶، ص ۴۶۹.

۹. کشف الارتیاب، ص ۸۰-۸۱.

۱۰. نک: شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۸۵-۳۸۶.

۱۱. نک: رؤیت هلال، ص ۱۱۴-۱۲۲، «مقدمه».

۱۲. نک: صفویه در عرصه دین، ج ۳، ص ۱۰۸۲-۱۰۸۳؛ مقالات

تاریخی، دفتر ۸، ص ۲۵۷-۲۵۹.

شاهدان از مردم بیرون شهر باشند.^۵ شماری دیگر، گواهی دو تن را در صورت صاف بودن هوا کافی نشمرده و گواهی ۵۰ مرد را شرط کرده‌اند.^۶ شافعیان^۷، مالکیان^۸ و حنبلیان^۹ نیز در ماه‌هایی جز ماه رمضان، گواهی دو عادل را شرط ثبوت هلال می‌دانند. حنفیان در صورت صاف بودن هوا این تعداد شاهد را کافی ندانسته‌اند.^{۱۰} به تصریح برخی از آنان، در فرض وجود مانع در آسمان، گواهی یک عادل نیز کافی است.^{۱۱} فقیهان امامی^{۱۲}، مالکی^{۱۳} و حنبلی^{۱۴} مرد بودن گواهان را شرط دانسته‌اند؛ اما به باور سفیان ثوری^{۱۵} و شماری از حنفیان^{۱۶} شهادت یک مرد و دو زن نیز می‌تواند رؤیت هلال را ثابت کند.

۲. حکم حاکم در رؤیت هلال:

مشهور امامیان، نافذ بودن حکم حاکم (مجتهد جامع شرایط) را در ثبوت هلال پذیرفته‌اند،

۵. الخلاف، ج ۲، ص ۱۷۲.
۶. المقنع، ص ۱۸۳؛ الکافی، حلی، ص ۱۸۱؛ غنیة النزوع، ص ۱۳۵.
۷. الام، ج ۱، ص ۲۶۴؛ الحاوی الکبیر، ج ۳، ص ۴۱۲.
۸. المدونة الکبری، ج ۱، ص ۱۹۴.
۹. الانصاف، ج ۳، ص ۱۹۵.
۱۰. المحيط البرهانی، ج ۲، ص ۳۷۶.
۱۱. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۴۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۸۲.
۱۲. المقنعة، ص ۲۲۷؛ منتهی المطلب، ج ۹، ص ۲۲۷.
۱۳. المدونة الکبری، ج ۱، ص ۲۶۷.
۱۴. المغنی، ج ۳، ص ۱۰.
۱۵. المجموع، ج ۶، ص ۱۹۴.
۱۶. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۴۶؛ المحيط البرهانی، ج ۲، ص ۳۷۶؛ البحر الرائق، ج ۲، ص ۳۳۰.

اصرار ناروای پیروان اهل سنت و برخی حاکمان بر سازگار ساختن روز عرفه بر جمعه و دادن گواهی‌های دروغ بر رؤیت هلال، حتی نکوهش و اعتراض برخی از دانشمندان اهل سنت را نیز برانگیخته است.^۱ (← حج اکبر) نگارش اثر درباره ابعاد گوناگون رؤیت هلال از منظر فقهی، نجومی و تاریخی در میان دانشوران شیعه و اهل سنت رایج بوده است.^۲

۱. علل اختلاف در ثبوت هلال:

اختلاف در ثبوت هلال ماه‌های قمری را در دیدگاه فقهی می‌توان برخاسته از عوامل گوناگون دانست که مهم‌ترین آن‌ها اختلاف نظر فقیهان درباره پاره‌ای از احکام مربوط به رؤیت هلال است؛ همچون:

۱. شرایط و شماره شهود: بیشتر فقیهان

امامی بدون تفاوت نهادن میان ماه رمضان و ماه‌های دیگر^۳ گواهی دو شاهد عادل را که علم یا اطمینان به اشتباه آنان نداشته باشیم و در بیان ویژگی‌های هلال اختلاف نداشته باشند، مایه ثبوت هلال دانسته‌اند.^۴ البته برخی از امامیان، اعتبار گواهی دو عادل را تنها در صورتی پذیرفته‌اند که هوا ابری باشد یا

۱. رحلة ابن جبیر، ص ۱۳۰-۱۳۱.
۲. نک: الفهرست، ص ۱۴۰، ۲۴۵، ۳۱۷، ۳۳۱؛ ایضاح المکنون، ج ۱، ص ۵۷۴؛ ج ۲، ص ۸۱؛ الذریعة، ج ۶، ص ۳۹۱؛ ج ۱۱، ص ۶۵، ۱۶۰.
۳. تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۱۱۷؛ الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۰۹.
۴. جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۳۵۵؛ مستند العروه، ج ۲، ص ۷۲.

مشروط بر آن که به خطای او یا مستنداتش علم نداشته باشیم.^۱ بر پایه فقه مذاهب اهل سنت، حکم حاکم به ثبوت هلال، از هر راهی که به دست آید، نافذ است.^۲ البته برخی از آنان حکم مستند به بررسی‌های نجومی را استثنا کرده‌اند.^۳ گاه نیز با وجود حکم حاکم به ثبوت هلال، فقیهان اهل سنت این حکم را مردود شمرده و حج را نادرست خوانده‌اند.^۴

۳. شرط بودن یا نبودن اتحاد افق:

به باور مشهور فقیهان امامی، اتحاد افق در ثبوت رؤیت هلال شرط است.^۵ توضیح آن که با رؤیت هلال در یک نقطه از زمین، حلول ماه تنها در مکان‌های هم‌افق با آن نقطه و نیز جای‌های قرار گرفته در شرق آن منطقه ثابت می‌شود، نه همه جای کره زمین. باورمندان به شرط نبودن اتحاد افق، با دیده شدن ماه در یک نقطه، حلول ماه در همه نقاط دیگر را ثابت می‌دانند.^۶ البته به باور برخی از آنان، اشتراک نقطه رؤیت با دیگر نقاط، دست‌کم

در پاسی از شب شرط است.^۷ به باور مشهور حنفیان^۸، حنبلیان^۹ و مالکیان^{۱۰} اتحاد افق شرط نیست. شافعیان بر آنند که با رؤیت هلال در یک نقطه، تنها در نقاط نزدیک به آن، هلال ثابت می‌شود؛ هر چند درباره معیار نزدیک بودن نقاط، اختلاف دارند.^{۱۱} شماری از فقیهان معاصر اهل سنت نیز اختلاف افق را مانع ثبوت هلال ندانسته‌اند، مشروط بر آن که دو مکان در پاسی از شب مشترک باشند.^{۱۲}

۴. اختلاف نظر درباره اعتبار محاسبات

نجومی: از مسائل بحث‌برانگیز در ثبوت هلال، میزان اعتبار نظر دانشمندان نجوم در این زمینه است. بیشتر فقیهان امامی، اعتبار سخن منجمان را در ثبوت هلال نپذیرفته‌اند.^{۱۳} شماری از آنان حالتی را که از گفته این دانشمندان علم به دست آید، استثنا کرده‌اند.^{۱۴} فقیهانی که رؤیت هلال را دارای موضوعیت نمی‌دانند و تنها امکان رؤیت را در ثبوت هلال، در صورت نبود مانع، کافی می‌دانند،

۱. الدروس، ج ۱، ص ۲۸۶؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۷؛ تفصیل الشریعه، ص ۲۴۰، «صوم».
 ۲. الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۷۱۷.
 ۳. الذخیره، ج ۲، ص ۴۹۳.
 ۴. نک: میقات حج، ش ۴، ص ۲۷، «حجاج شیعی در دوره صفوی».
 ۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۶، ص ۱۲۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۷.
 ۶. مستند الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۳۶۱؛ الفتاوی الواضحه، ص ۶۲۰.

۷. منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۸۰؛ استفتاات جدید، ج ۱، ص ۱۵۰.
 ۸. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۳۹۳؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۱۹۸-۱۹۹.
 ۹. المغنی، ج ۳، ص ۸۷-۸۸؛ کشف القناع، ج ۱، ص ۳۴۹.
 ۱۰. الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۵۱۰.
 ۱۱. المجموع، ج ۶، ص ۲۷۳.
 ۱۲. رؤیت هلال، ج ۵، ص ۳۲۶۴.
 ۱۳. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۴۹۳؛ العروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۲۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۶.
 ۱۴. مصباح الهدی، ج ۸، ص ۳۷۷؛ وسیله النجاة، ص ۳۲۱.

پشتوانه نظر مشهور، هلال را متعلق به شب پیش دانسته و آن روز را روز اول ماه شمرده‌اند. بیشتر فقیهان شافعی، مالکی، و حنبلی و نیز شماری از فقیهان حنفی^{۱۲} میان رؤیت هلال پیش و پس از زوال تفاوت نهاده و هر هلالی را به مثابه هلال شب آینده به شمار آورده‌اند. شماری دیگر بر آنند که اگر هلال پیش از زوال رؤیت شود، متعلق به شب پیش است و آن روز اول ماه شمرده می‌شود.^{۱۳}

۶. حکم رؤیت هلال با چشم مسلح:

بیشتر فقیهان معاصر رؤیت هلال با چشم مسلح را مایه ثبوت هلال ندانسته‌اند.^{۱۴} به تصریح شماری از فقیهان، تعیین محل هلال با چشم مسلح و رؤیت آن بدون بهره‌گیری از ابزارهای نجومی مانند تلسکوپ و دوربین مایه ثبوت هلال می‌شود.^{۱۵} اندکی از فقیهان معاصر رؤیت هلال با چشم مسلح را مایه ثبوت هلال قلمداد کرده‌اند.^{۱۶} از عوامل اختلاف درباره آغاز ماه قمری که کمتر جنبه فقهی دارد، تفاوت در شمارش روزهای ماه یا ماه‌های پیش است. مثلاً اگر ماه

۱۲. حلیة العلماء، ج ۳، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ المجموع، ج ۶، ص ۲۷۲؛ الانصاف، ج ۳، ص ۲۷۱.
۱۳. نک: حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۳۹۲؛ الحاوی الکبیر، ج ۳، ص ۴۱۱.
۱۴. هیویات فقهیه، ج ۱۳۹.
۱۵. مستند العروه، ج ۲، ص ۱۲۴؛ سلسلة المسائل الفقهیه، ج ۲۵، ص ۲۹.
۱۶. اجوبة الاستفتانات، ج ۱، ص ۱۴۶؛ فقه اهل البيت، ش ۴۰، ص ۱۲۱، «اعتبار الاجهزة الحديثة فی رؤیة الهلال».

محاسبات قطعی نجومی را در این زمینه معتبر شمرده‌اند.^۱ شماری از فقیهان معاصر اهل سنت در اثبات رؤیت هلال به دانش نجوم اعتماد کرده‌اند؛^۲ اما به باور مشهور فقیهان حنفی^۳، مالکی^۴، حنبلی^۵ و شافعی^۶ محاسبات نجومی قابل اعتماد نیستند. حتی برخی بر این نظر ادعای اجماع کرده‌اند.^۷ شماری از فقیهان نظر دانشمندان نجوم را تنها درباره نفی رؤیت پذیرفته‌اند؛ یعنی اگر به باور منجمان رؤیت هلال امکان پذیر نباشد، نمی‌توان با شهادت گواهان به ثبوت آن حکم کرد.^۸

۵. حکم رؤیت هلال پیش از زوال:

به باور مشهور فقیهان امامی^۹ و به پشتوانه روایات^{۱۰} در صورت رؤیت هلال پیش از زوال، آن روز واپسین روز ماه پیش است. ولی برخی از آن‌ها^{۱۱} با خدشه در حدیث‌های

۱. الفتاوی الواضحه، ص ۶۳۳؛ جامع المسائل، ج ۲، ص ۳۳.
۲. عمدة القاری، ج ۱۰، ص ۲۷۲؛ اوائل الشهور العربیه، ص ۱۵؛ رؤیت هلال، ج ۵، ص ۳۲۶۴.
۳. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۲۸۷.
۴. بذایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۶۷؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۲۸۹.
۵. کشف القناع، ج ۲، ص ۳۶۴.
۶. المجموع، ج ۶، ص ۲۷۳.
۷. فتح الباری، ج ۴، ص ۱۰۴.
۸. فتاوی السبکی، ج ۱، ص ۲۰۹؛ الصوم فی الشریعه، ج ۲، ص ۱۰۰، ۱۲۸.
۹. الخلاف، ج ۲، ص ۱۷۱؛ غنیة النزوع، ص ۱۳۴؛ الجامع للشرائع، ص ۱۵۴.
۱۰. الاستبصار، ج ۲، ص ۷۳-۷۴؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۷۸.
۱۱. مسائل الناصریات، ص ۲۹۱؛ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۷۸؛ مبانی منهاج الصالحین، ج ۶، ص ۲۱۹.

پیش ۳۰ روز بوده باشد، بی‌تردید روز بعد آغاز ماه جدید است و نیازی به استهلال نیست. ولی اگر ماه پیش ۲۹ روزه باشد، برای اثبات آغاز ماه جدید، استهلال لازم است. بر پایه قواعد نجومی، اگر سه ماه پیاپی ۲۹ روز باشد، بی‌شک ماه چهارم ۳۰ روزه خواهد بود و اگر چهار ماه پیاپی ۳۰ روزه باشد، بی‌تردید ماه پنجم ۲۹ روزه است. چه بسا اختلاف در شمار روزهای یکی از ماه‌های پیاپی، مایه اختلاف در روزشماری ماه آخر شود.^۱

◀ **احکام وابسته به استهلال:** در فقه مذاهب اسلامی، برخی از احکام حج و عمره به استهلال و اثبات ماه قمری وابسته شده‌اند. مهم‌ترین موارد آن عبارتند از:

۱. وجوب حفظ استطاعت مالی پس از آغاز ماه‌های حج. به تصریح شماری از فقیهان امامی، از میان بردن استطاعت مالی پس از ثبوت هلال شوال که نخستین ماه از ماه‌های حج به شمار می‌رود، جایز نیست.^۲

۲. استحباب حج‌گزاری برای کسی که پس از انجام دادن عمره تا هلال ذی‌حجه در مکه مانده باشد. به باور مشهور امامیان^۳ به پشتوانه روایات^۴، کسی که در ماه‌های حج برای

گزاردن عمره مفرده وارد مکه شده و تا فرارسیدن ماه ذی‌حجه در آن‌جا مانده باشد، مستحب است حج بگزارد.^۵

۳. استحباب احرام مکیان در آغاز ماه ذی‌حجه. مالکیان بر آنند که با ثبوت هلال ذی‌حجه برای مردم مکه مستحب است جهت حج احرام بگزارند.^۶ در برخی حدیث‌های امامیان نیز هنگام احرام شخص مجاور در مکه، زمان ثبوت هلال ذی‌حجه به شمار رفته است.^۷

۴. پایان یافتن هنگام عمره تمتع با ثبوت هلال ذی‌حجه. بر پایه روایاتی از امامان علیهم‌السلام، زمان احرام عمره تمتع برای مردم مدینه با حلول ماه ذی‌حجه پایان می‌یابد.^۸ فقیهان امامی این حکم را مربوط به مواردی دانسته‌اند که گزاردن حج پس از اتمام عمره ممکن نباشد.^۹

◀ **اختلاف نظر در ثبوت هلال ذی‌حجه:** هنگام اختلاف نظر میان شاهدان یا پیروان مذاهب گوناگون در ثبوت هلال ذی‌حجه، احکامی در منابع فقهی مطرح شده‌اند که مهم‌ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

۵. ریاض المسائل، ج ۷، ص ۱۷۸؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۶۰؛

العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۱۱

۶. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۰۰؛ الذخیره، ج ۳، ص ۲۰۴.

۷. الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۳۰۰.

۸. التهذیب، ج ۵، ص ۳۹۱.

۹. التهذیب، ج ۵، ص ۳۹۱؛ ملاذ الاخیار، ج ۸، ص ۳۷۳؛ کتاب الحج،

صابری، ج ۱، ص ۱۱۸.

۱. نک: دروس فی معرفة الوقت، ص ۵۲۴.

۲. دلیل الناسک، ص ۳۶.

۳. المعتمد، ج ۳، ص ۲۱۹.

۴. الاستبصار، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۲۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۳۷.

۲. بر پایه فقه شافعی^۹ و حنفی^{۱۰} هرگاه در ساعات پایانی روز ترویه (هشتم ذی حجه) گروهی شهادت دهند که آن روز، عرفه است، اگر وقوف امیر الحاج همراه بیشتر مردم ممکن باشد، گواهی آنان پذیرفته می‌شود. در این صورت، ترک وقوف در آن روز مایه فوات حج می‌گردد که آثاری در پی دارد. (← فساد حج) اما اگر وقوف امیر الحاج با بیشتر مردم امکان‌پذیر نباشد، این گواهی پذیرفته نمی‌شود و وقوف در عرفات باید روز بعد انجام گیرد.

۳. اگر در واپسین روز ذی‌قعدة آسمان ابری باشد و پس از وقوف در عرفات معلوم شود که وقوف در روز دهم ذی‌حجه صورت گرفته، صحت و مجزی بودن حج مورد بحث است. بسیاری از فقیهان امامی این حج را نادرست دانسته و در مجزی بودن آن تردید کرده‌اند.^{۱۱}

برخی نیز به پشتوانه حدیثی نبوی^{۱۲} و به دلیل مشقت بار بودن قضای حج، صحت و مجزی بودن آن را احتمال داده‌اند.^{۱۳}

۹. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۲.
۱۰. البحر الرائق، ج ۳، ص ۸۰؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۶۳.
۱۱. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۹۱؛ نجات العباد، ص ۱۴۰.
۱۲. نک: السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۷۵.
۱۳. الدروس، ج ۱، ص ۴۲۰؛ غایة المرام، ج ۱، ص ۴۳۸.

۱. افرادی که خودشان هلال ماه را دیده‌اند، اگر نزد حاکم گواهی دهند و حاکم شهادت آنان را به هر دلیل رد کند، این پرسش مطرح است که وظیفه آنان وقوف بر پایه یقین خودشان است یا آن که باید همراه دیگران در عرفات وقوف کنند. فقیهان امامی^۱، شافعی^۲ و مالکی^۳ دیدگاه نخست را پذیرفته‌اند؛ زیرا آن‌ها با توجه به یقین خود به حلول ماه، باید مطابق آن رفتار کنند.^۴ در برابر، شماری از حنبلیان^۵ و حنفیان^۶ بدین استناد که وقوف چندباره بدعت است، وظیفه آنان را وقوف همراه دیگران دانسته‌اند. حتی برخی حنبلیان^۷ وقوف پیش از دیگران را جایز ندانسته‌اند. در پاسخ به استدلال دیدگاه دوم گفته شده که وقوف چندباره در حق افراد گوناگون ناشی از اختلاف سبب و جوب در حق هر یک آن‌ها است و از این رو، کار هیچ یک از آنان بدعت به شمار نمی‌رود.^۸

۱. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۶۰۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۹۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۳۰.
۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۶۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۲.
۳. البیان و التحصیل، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۱۳۵؛ حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۳۸.
۴. المجموع، ج ۸، ص ۲۹۲؛ منتهی المطلب، ج ۱۱، ص ۶۲.
۵. المبدع، ج ۳، ص ۱۹۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۶۰۹؛ مطالب اولی النهی، ج ۲، ص ۴۶۰.
۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ شرح فتح القدیر، ج ۳، ص ۱۶۹.
۷. الفتاوی الكبرى، ج ۲، ص ۴۶۳؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۶۱۸.
۸. منتهی المطلب، ج ۱۱، ص ۶۲.

شافعیان^۱، مالکیان^۲ و حنبلیان^۳ نیز با تمسک به ادله گروه اخیر، به صحت حج و واجب نبودن قضا باور دارند و حتی برخی آن را اجماعی دانسته‌اند.^۴ شماری از حنفیان میان مقتضای استحسان و قیاس تفاوت نهاده و به پشتوانه دلیل نخست، وقوف را مجزی و به پشتوانه دلیل دوم، آن را غیر مجزی دانسته‌اند.^۵ اگر پس از وقوف حاجیان در عرفات مشخص شود که وقوف در روز هشتم ذی‌حجه صورت گرفته، هرگاه جبران این اشتباه ممکن نباشد، حنبلیان^۶ و شماری از شافعیان^۷ و اندکی از مالکیان^۸ به مجزی بودن؛ و حنفیان^۹ و برخی از شافعیان^{۱۰} و مالکیان^{۱۱} به مجزی نبودن آن حج باور دارند.

۴. درباره احکام ثبوت هلال بر پایه حکم

۱. الام، ج ۱، ص ۲۶۴؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۶۵؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳.
۲. الکافی، ابن عبدالبر، ص ۱۶۲؛ الخلاصة الفقهیه، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ حاشیة الصاوی، ج ۲، ص ۵۳.
۳. المغنی، ج ۳، ص ۵۵۳؛ المبدع، ج ۳، ص ۱۹۳.
۴. التمهید، ج ۱۴، ص ۳۵۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳؛ مطالب اولی النهی، ج ۲، ص ۲۱۸.
۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۵۶؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۶؛ الفتاوی الهندیه، ج ۱، ص ۲۲۹.
۶. المبدع، ج ۳، ص ۱۹۳؛ مطالب اولی النهی، ج ۲، ص ۲۱۸.
۷. نک: المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳.
۸. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۱.
۹. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰۰.
۱۰. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۶۶؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳.
۱۱. البیان و التحصیل، ج ۴، ص ۵۷.

حاکم مخالف مذهب مکلف، اختلاف دیدگاه دیده می‌شود. به تصریح برخی از اهل سنت، پیروی از حکم چنین حاکمی لازم نیست.^{۱۲} در فقه امامی، نخستین بار شهید ثانی به بحث از اختلاف عملی میان شیعیان و اهل سنت درباره ثبوت هلال ذی‌حجه پرداخته و در فرض ممکن نبودن وقوف برای مکلف شیعه در زمان مقرر، آن را از مصداق‌های صدّ (ممنوعیت از گزاردن حج) (← احصار و صدّ) به شمار آورده است. وی تقیه را در این مورد ثابت نشمرده و عمل به حکم تقیه را مجزی ندانسته است.^{۱۳} بسیاری از فقیهان متأخر نیز صحت عمل مطابق تقیه را در این مورد از آن رو نپذیرفته‌اند که به رغم اختلاف نظر درباره موضوع حکم شرعی، درباره حکم مسئله وحدت نظر وجود دارد.^{۱۴} در برابر، شماری از فقیهان امامی به کفایت حج ادا شده به پشتوانه تقیه تصریح کرده‌اند.^{۱۵} حتی شماری دیگر در صورت علم به مخالفت حکم او با واقع نیز به وجوب پیروی و صحت حج فتوا داده‌اند.^{۱۶} گروهی دیگر ضرورت پیروی از حکم حاکم مخالف را تنها در صورت احتمال مطابقت

۱۲. الفروق، ج ۴، ص ۴۹؛ نک: حاشیة الصاوی، ج ۱، ص ۶۸۴.
۱۳. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۳۹۱.
۱۴. صلاة الجماعه، ص ۲۲۸؛ مصباح الهدی، ج ۳، ص ۳۲۵.
۱۵. مقام الفضل، ج ۱، ص ۳۰۴؛ مستمسک العروه، ج ۲، ص ۴۰۷.
۱۶. کتاب الحج، جوادی، ج ۳، ص ۵۲؛ الرسائل العشره، ص ۵۹؛ مناسک حج، فاضل، ص ۴۸۸.

بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم عطاء و محمد معوض، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م؛ استفتانات جدید: تبریژی (م. ۴۲۷ق.)؛ الاشباه و النظائر: عبدالرحمن سیوطی (م. ۹۱۱ق.)، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق؛ الانتصار: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق؛ الانصاف: مرداوی (م. ۸۸۵ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق؛ اوائل الشهور العربیه: احمد محمد شاکر، مصر، مکتبه ابن تیمیه؛ ایضاح المکنون: اسماعیل پاشا البغدادی (م. ۱۳۳۹ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ البحر الرائق: ابونجم المصری (م. ۹۷۰ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ بدایة المجتهد: ابن رشد القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المکتبه الحبیبه، ۱۴۰۹ق؛ البیان و التحصیل: ابن رشد قرطبی (م. ۴۵۰ق.)، به کوشش محمد حجی و دیگران، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ق؛ پنجاه سفرنامه حج قاجاری: به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر علم، ۱۳۸۹ش؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۲۰ق؛ تحریر الوسيله: امام خمینی (ع)، (م. ۱۳۶۸ش.)، نجف، دار الکتب العلمیه،

حکم او با واقع پذیرفته‌اند. پشتوانه آنان سیره اهل شریعت در عمل به حکم حاکمان اهل سنت در دوران امامان (ع) است. قدر متیقن از این سیره، فرض علم نداشتن به مخالفت حکم با واقع است. بر این اساس، اگر مکلف بدون هیچ عذری وظیفه قطعی خود را ترک کند، حج او نادرست خواهد بود.^۱

از دیگر شاخه‌های ثبوت هلال که در فقه شافعی آمده، آن است که اگر احرام حج به سبب اشتباه در ثبوت هلال، پیش از حلول ماه‌های آن (شوال، ذی قعدة و ذی حجه) صورت پذیرد، به احرام عمره تبدیل می‌شود.^۲ باید دانست که یکی از مصداق‌های احصار (احصار و صدّه) به تصریح مالکیان، ناتوانی از اتمام مناسک حج به سبب نامعلوم ماندن وضع هلال است.^۳

◀ منابع

اجوبة الاستفتانات: سید علی خامنه‌ای، بیروت، الدار الاسلامیه، ۱۴۲۰ق؛ احکام القرآن: ابن العربی (م. ۵۴۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ق.)، به کوشش قمحاوی،

۱. المعتمد، ج ۵، ص ۱۵۵، ۱۵۷؛ المعالم المأثوره، ج ۴، ص ۳۱۰؛ کتاب الحج، قمی، ج ۳، ص ۴۱.
۲. نک: المجموع، ج ۸، ص ۲۹۳؛ الاشباه و النظائر، ج ۱، ص ۱۹۰، تحفة المحتاج، ج ۴، ص ۳۵.
۳. الاستذکار، ج ۴، ص ۱۷۷؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۸۵؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۳۰۱.

عادل احمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق؛ **حلية العلماء فى معرفة مذاهب الفقهاء**: محمد بن احمد الشاشى (م.٥٠٧ق.)، به كوشش ياسين احمد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٩٨٠م؛ **خزانة الادب**: عبدالقادر البغدادي (م.١٠٩٣ق.)، به كوشش طريفى و اليعقوبى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٩٩٨م؛ **الخلاصة الفقهية على مذهب السادة المالكية**: محمد العربى القروى، دار الكتب العلمية؛ **الخلافة: الطوسى** (م.٤٦٠ق.)، به كوشش خراسانى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٧ق؛ **الدر المنثور: السيوطى** (م.٩١١ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٣٦٥ق؛ **الدروس الشرعية: الشهيد الاول** (م.٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٢ق؛ **دروس فى معرفة الوقت و القبلة: حسن حسن زاده آملى**، قم، انتشارات اسلامى، ١٤١٦ق؛ **دليل المناسك**: سيد محسن طباطبايى (م.١٣٩٠ق.)، به كوشش قاضى طباطبايى، نجف، دار الحكمه، ١٤١٦ق؛ **الذخيره**: احمد بن ادريس القرافى، به كوشش حجى، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٩٩٤م؛ **الذريعة الى تصانيف الشيعة**: آقا بزرگ تهرانى (م.١٣٨٩ق.)، بيروت، دار الاضواء، ١٤٠٣ق؛ **رحلة ابن جبير**: محمد بن احمد (م.٦١٤ق.)، بيروت، دار مكتبة الهلال، ١٩٨٦م؛ **رساله استفتانات: حسين على منتظرى**، قم؛ **الرسائل العشرة**: امام خمينى رحمته الله (م.١٤٠٩ق.)، قم، نشر آثار امام، ١٤٢٠ق؛ **الروضة البهيبة: الشهيد الثانى** (م.٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، داورى، ١٤١٠ق؛ **رؤيت هلال**: رضا مختارى و محسن صادقى، قم، دفتر تبليغات، ١٤٢٦ق؛ **رياض المسائل**: سيد على الطباطبايى (م.١٣٣١ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١٢ق؛ **سلسلة المسائل الفقيهيه**: جعفر سبحانى، قم؛ **السنن الكبرى: البيهقى** (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار

١٣٩٠ق؛ **التحفة السنويه**: سيد عبدالله الجزائرى (م.١١٨٠ق.)؛ **تحفة الفقهاء**: علاء الدين السمرقندى (م.٥٣٩/٥٣٥ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **تحفة المحتاج فى شرح المنهاج**: احمد بن حجر الهيتمى، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ٩٧٤ق.)، ١٣٥٧ق؛ **تذكرة الفقهاء: العلامة الحلى** (م.٧٢٦ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ١٤١٤ق؛ **التفسير الكبير: الفخر الرازى** (م.٦٠٦ق.)، قم، دفتر تبليغات، ١٤١٣ق؛ **تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)**: القرطبي (م.٦٧١ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٥ق؛ **تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيله (الصوم)**: فاضل لنكرانى (م.١٤٢٨ق.)، قم، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، ١٤٢٦ق؛ **التمهيد: ابن عبد البر** (م.٤٦٣ق.)، به كوشش مصطفى و محمد عبدالكبير، وزارة الاوقاف، ١٣٨٧ق؛ **تهذيب الاحكام: الطوسى** (م.٤٦٠ق.)، به كوشش موسوى و آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ **جامع الشتات: ميرزا ابوالقاسم القمى** (م.١٢٣١ق.)، به كوشش رضوى، تهران، مؤسسه كههان، ١٤١٣ق؛ **جامع المسائل: محمد تقى بهجت** (م.١٤٣٠ق.)، قم، دفتر معظم له، ١٤٢٦ق؛ **الجامع للشرائع: يحيى بن سعيد الحلى** (م.٦٩٠ق.)، به كوشش گروهى از فضلا، قم، سيد الشهداء، ١٤٠٥ق؛ **جواهر الكلام: النجفى** (م.١٢٦٦ق.)، به كوشش قوچانى و ديگران، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ **حاشية الدسوقي: الدسوقي** (م.١٢٣٠ق.)، احياء الكتب العربيه؛ **حاشية رد المحتار: ابن عابدين** (م.١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٢ق؛ **حاشية الصاوى على الشرح الصغير (بلغة السالك)**: احمد بن محمد الصاوى (م.١٢٤١ق.)، دار المعارف؛ **الحاوى الكبير: الماوردى** (م.٤٥٠ق.)، به كوشش على محمد و

المعرفة؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعي (م. ٤٢٣ق.)، دار الفكر؛ الفروق: اسعد بن محمد النيسابوري (م. ٥٧٠ق.)، به كوشش محمد طوموم، كويت، وزارة الاوقاف، ١٤٠٢ق؛ **فقه اهل بيت** (فصلنامه): قم، دائرة المعارف فقه اسلامي؛ **الفقه على المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت**: عبدالرحمن الجزيري، محمد غروي و ملازج ياسر، بيروت، الثقليين، ١٤١٩ق؛ **الفهرست**: ابن النديم (م. ٤٣٨ق.)، به كوشش تجدد؛ **الكافي**: ابن عبدالبير (م. ٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٧ق؛ **الكافي**: الكليني (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛ **الكافي في فقه اهل المدينة**: ابن عبدالبير (م. ٤٦٣ق.)، دار الكتب العلمية، ١٤٠٧ق؛ **كتاب الحج**: تقرير بحث محقق داماد (م. ١٣٨٨ش.)، جوادى آملی، قم، چاپخانه مهر، ١٤٠١ق؛ **كتاب الحج**: سيد حسن طباطبایي قمی (م. ١٤٢٨ق.)، قم، مطبعة باقری، ١٤١٥ق؛ **كتاب الحج**: تقرير بحث الكلپایگانی، الصابری، قم، الخيام، ١٤٠٠ق؛ **كشاف القناع**: منصور البهوتي (م. ١٠٥١ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **الكشاف**: الزمخشري (م. ٥٣٨ق.)، قم، بلاغت، ١٤١٥ق؛ **كشاف الارتباب**: سيد محسن الامين (م. ١٣٧١ق.)، به كوشش امين، مكتبة الحريس، ١٣٨٢ق؛ **كشف الغطاء**: كاشف الغطاء (م. ١٢٢٧ق.)، قم، دفتر تبليغات، ١٤٢٢ق؛ **الكنز اللغوي**: ابن السكيت (م. ٢٤٤ق.)، به كوشش اوغست هفتر، بيروت؛ **لسان العرب**: ابن منظور (م. ٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **اللمعة البيضاء**: التبريزي الانصاري (م. ١٣١٠ق.)، به كوشش سيد هاشم الميلاني، قم، الهداي، ١٤١٨ق؛ **لوامع صاحبقراني**: محمد تقی مجلسی (م. ١٠٧٠ق.)، قم، اسماعيليان، ١٤١٤ق؛ **مباني منهاج**

الفكر؛ **سنن النسائي**: النسائي (م. ٣٠٣ق.)، به كوشش عبدالغفار و سيد كسروي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق؛ **السيرة الحلبيه**: الحلبی (م. ١٠٤٤ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات (م. ١٢٠١ق.)، مصر، دار احياء الكتب العربية؛ **شرح فتح القدير**: السيواسي (م. ٨٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **شفاء الغرام**: محمد الفاسي (م. ٨٣٢ق.)، به كوشش مصطفى محمد، مکه، النهضة الحديثه، ١٩٩٩م؛ **الصالح**: الجوهری (م. ٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **صفويه در عرصه دين**، **فرهنگ و سياست**: رسول جعفریان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ١٣٨٩ش؛ **صلاة الجماعة**: محمد حسين كمپاني اصفهاني (م. ١٣٦١ق.)، انتشارات اسلامي، ١٤٠٩ق؛ **الصوم في الشريعة الاسلامية الغراء**: جعفر سبحاني، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤٢٠ق؛ **العروة الوثقى**: سيد محمد كاظم يزدي (م. ١٣٣٧ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤٢٠ق؛ **عمدة الفاري**: العيني (م. ٨٥٥ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **غاية المرام في شرح شرائع الاسلام**: مفلح بن الحسن الصيمري (م. قرن ٩ق.)، به كوشش كوثراني، بيروت، دار الهداي، ١٤٢٠ق؛ **غنية النزوع**: الحلبی (م. ٥٨٥ق.)، به كوشش بهادري، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ١٤١٧ق؛ **فتاوى السبكي**: تقی الدين السبكي (م. ٧٥٦ق.)، دار المعارف؛ **الفتاوى الكبرى**: ابن تيميه (م. ٧٢٨ق.)، به كوشش مصطفى عطاء، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق؛ **الفتاوى الواضحه**: محمد باقر صدر (م. ١٤٠٠ق.)، بيروت، دار التعارف، ١٤٠٣ق؛ **الفتاوى الهنديه**: لجنة علماء برئاسة نظام الدين البلخي، دار الفكر، ١٣١٠ق؛ **فتح الباري**: ابن حجر العسقلاني (م. ٨٥٢ق.)، بيروت، دار

الصالحين: سيد تقى طباطبائي، به كوشش حاجياني، قم، قلم الشرق، ١٤٢٦ق؛ **المبدع شرح المقنع:** ابواسحاق ابراهيم بن محمد (م. ٨٨٤ق.)، رياض، دار عالم الكتب، ١٤٢٣ق؛ **المبسوط في فقه الامامية:** الطوسي (م. ٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودي، تهران، المكتبة المرتضوية؛ **المبسوط:** السرخسي (م. ٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ **مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر:** عبدالرحمن بن محمد افندي (م. ١٠٧٨ق.)، دار احياء التراث العربي؛ **مجمع البيان:** الطبرسي (م. ٥٤٨ق.)، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ **المجموع شرح المهذب:** النووي (م. ٦٧٦ق.)، دار الفكر؛ **المحيط البرهاني في الفقه النعماني:** محمود بن احمد البخاري (م. ٦١٦ق.)، به كوشش عبدالكريم، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٤ق؛ **المدونة الكبرى:** مالك بن انس (م. ١٧٩ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ **مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح:** علي بن محمد الملا الهروري القاري (م. ١٠١٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٢٢ق؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام:** الشهيد الثاني (م. ٩٦٥ق.)، قم، معارف اسلامي، ١٤١٦ق؛ **مسائل الناصريات:** السيد المرتضى (م. ٤٣٦ق.)، تهران، رابطة الثقافة و العلاقات الاسلاميه، ١٤١٧ق؛ **مستمسك العروة الوثقى:** سيد محسن حكيم (م. ١٣٩٠ق.)، قم، مكتبة النجفي، ١٤٠٤ق؛ **مستند الشيعه:** احمد النراقي (م. ١٢٤٥ق.)، قم، آل البيت (ع)، ١٤١٥ق؛ **مستند العروة الوثقى:** تقرير بحث الخوئي (م. ١٤١٣ق.)، مرتضى بروجردي، قم، مدرسة دار العلم؛ **مصباح الهدى في شرح العروة الوثقى:** محمد تقى آملی (م. ١٣٩١ق.)، تهران، مؤلف، ١٣٨٠ش؛ **مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهى:** مصطفى السیوطی (م. ١٢٤٣ق.)، دمشق، المكتبة الاسلامی، ١٩٦١م؛ **المعالم**

المأثور: ميرزا هاشم آملی (م. ١٤١٣ق.)، به كوشش اسماعيل پور، قم، نویسنده، ١٤٠٦ق؛ **المعتمد في شرح المناسك:** محاضرات الخوئي (م. ١٤١٣ق.)، الخلی، قم، مدرسة دارالعلم، ١٤١٠ق؛ **معجم مقاييس اللغة:** ابن فارس (م. ٣٩٥ق.)، به كوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبليغات، ١٤٠٤ق؛ **المغني:** عبدالله بن قدامه (م. ٢٠٠ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ **مفردات:** الراغب (م. ٤٢٥ق.)، نشر الكتاب، ١٤٠٤ق؛ **مقالات تاريخي:** رسول جعفریان، قم، دليل ما، ١٣٨٧ش؛ **مقام الفضل:** آقا محمد علي بن وحيد بهبهانی (م. ١٢٠٦ق.)، قم، مؤسسه علامه مجدد وحيد بهبهانی، ١٤٢١ق؛ **المقنع:** الصدوق (م. ٣٨١ق.)، قم، مؤسسة الامام الهادي (ع)، ١٤١٥ق؛ **المقنعه:** المفيد (م. ٤١٣ق.)، قم، نشر اسلامي، ١٤١٠ق؛ **ملاذ الاخيار في فهم تهذيب الاخيار:** محمد باقر مجلسی (م. ١١١٠ق.)، به كوشش رجايي، قم، كتابخانه نجفی، ١٤٠٦ق؛ **مناسك حج:** محمد فاضل لنكرانی (م. ١٤٢٨ق.)، قم، امير قلم، ١٤٢٣ق؛ **منتهى المطلب:** العلامة الحلی (م. ٧٢٦ق.)، مشهد، آستان قدس رضوی، ١٤١٢ق؛ **منهاج الصالحين:** الخوئي (م. ١٤١٣ق.)، قم، مدينة العلم، ١٤١٠ق؛ **مواهب الجليل:** الخطاب الرعيني (م. ٩٥٤ق.)، به كوشش زكريا عميرت، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٦ق؛ **ميراث حديث شيعه:** به كوشش مهريزي و صدرایی، قم، دار الحديث، ١٣٧٧ش؛ **مبقات حج (فصلنامه):** تهران، حوزه نمايندگی ولی فقيه در امور حج و زیارت؛ **نجاه العباد:** النجفی (م. ١٢٦٦ق.)، به كوشش رضوی و ديگران، ١٣١٨ق؛ **النهايه:** ابن اثير مبارك بن محمد الجزري (م. ٦٠٦ق.)، به كوشش الزاوی و الطنحی، قم، اسماعيلیان، ١٣٦٧ش؛ **نهاية المطلب في دراية المذهب:** عبدالملك بن

بسیار دور بودن معنا کرده‌اند.^۴ ابن منظور با یادکرد از اسحاق ذیل ریشه «سحق»، آن را غیر عربی دانسته است.^۵ عهد عتیق سبب نام‌گذاری اسحاق را با خنده ابراهیم عليه السلام پیوند داده است. بشارت تولد اسحاق، با توجه به ۱۰۰ سالگی حضرت ابراهیم عليه السلام و ۹۰ سالگی همسرش ساره، مایه شگفتی و خنده او شد؛ ولی خداوند از حتمی بودن ولادت و خواندنش به این نام خبر داد.^۶ قرآن کریم خنده شگفت‌آمیز را به همسر ابراهیم، ساره، نسبت داده است. (هود/۱۱، ۷۱)^۷

◀ **زندگی‌نامه اسحاق عليه السلام: افزون بر عهد عتیق، قرآن کریم و منابع تاریخی، حدیثی، تفسیری و قصصی مسلمانان نیز به تاریخ زندگی حضرت اسحاق عليه السلام پرداخته‌اند. این گزارش‌ها در کنار برخی مشترکات، اختلاف نیز دارند. بر پایه گزارش عهد عتیق، حضرت ابراهیم عليه السلام در کهنسالی از نبود فرزندی که وارث وی باشد، پریشان‌خاطر بود. از این رو، خداوند وعده تولد اسماعیل و سپس اسحاق را به وی داد و به او مژده بخشید که نسل وی با آن دو بسیار گسترش خواهد یافت.^۸**

۴. العین، ج ۳، ص ۳۶؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۹۴؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۳۹، «سحق».

۵. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ۱۵۵.

۶. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۷: ۱۵-۱۹.

۷. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۷۳.

۸. کتاب مقدس، پیدایش، ۱۵: ۲-۵؛ ۱۷: ۴-۶، ۱۶، ۲۰.

عبدالله الجوبنی (م. ۴۷۸ ق.)، به کوشش عبدالعظیم، دار المنهاج، ۱۴۲۸ ق؛ وسیلة النجاة: محمد تقی بهجت (م. ۱۴۳۰ ق.)، قم، ۱۴۲۳ ق؛ هیویات فقهیه: محمد سند بحرانی، به کوشش ماحوزی، قم، الاجتهاد، ۱۴۲۹ ق.

حمیدرضا خراسانی، رضا مختاری



اسحاق عليه السلام: دومین پسر ابراهیم عليه السلام، پیامبران و در زمره نیاکان بنی‌اسرائیل، ذبیح‌الله از دید یهودیان و برخی از مسلمانان

در باره عربی یا عبری بودن واژه اسحاق اختلاف است. بیشتر واژه‌نگاران آن را غیر عربی^۱ و در اصل برگرفته از واژه عبری «ایصحاق» (می‌خندد) دانسته‌اند.^۲ در برابر، برخی بدون اشاره به معنای لغوی، آن را واژه‌ای عربی و از ریشه «سحق» دانسته‌اند.^۳ به رغم این دیدگاه، فرهنگ‌نویسان عربی معمولاً بدون یادکرد از واژه اسحاق، «سَحَقَ» را به معنای کهنه کردن لباس و کوبیدن و «سُحِقَ» را

۱. الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۹۵؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۵۵؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۴۴، «سحق».

۲. المعرب، ص ۱۲؛ قاموس کتاب مقدس، ص ۶۶؛ التحقيق، ج ۱، ص ۸۲، «اسحاق».

۳. المزهر، ج ۱، ص ۱۴۰؛ واژه‌های دخیل، ص ۱۱۹، «اسحاق».